



گفتگو: AFP



گفتگو: Reuters

خدا ندارد

گرسنگی به عنوان ابزار جنگی

حاضر نشان می‌دهد فرماندهان آن‌ها دستور داده بودند که به تجمع کنندگان در صف غذا تیراندازی و آن‌ها را متفرق کنند. در حالی که هیچ تهدیدی از جانب آن‌ها متوجه سربازان اسرائیلی نبود. «یکی از سربازان اسرائیلی در این باره گفته است این «فروپاشی کامل شعارهای اخلاقی ارتش اسرائیل در غزه» بود: این یک مرکز کشتار بود. جایی که من مستقر بودم، دست کم ۵ نفر هرروز کشته می‌شدند. به آن‌ها مانند نیروهای متخاصم نگاه می‌شد. نه هشدار، نه گاز اشک‌آور و نه هیچ چیزی در کار نبود. مستقیماً به آن‌ها تیراندازی می‌شد. روش ارتباطی ما با آن‌ها تیراندازی بود.»

این سرباز روایت می‌کند: «ارتش اجازه نداده که افکار عمومی ویدئوهای این حوادث را ببینند. از نگاه آن‌ها، بنیاد بشردوستانه غزه کارایی خوبی داشته چراکه جلوی فروپاشی مشروعیت بین‌المللی ارتش اسرائیل را گرفته است.» وضعیت انسانی در غزه به اندازه‌ای وحشتناک بوده که جدی‌ترین حامیان اسرائیل در جهان هم آن را محکوم کرده‌اند. وزیران امور خارجه بیش از بیست کشور از جمله بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و کانادا گفته‌اند جنگ اسرائیل در غزه «باید همین حالا پایان یابد» و هشدار داده‌اند که رنج و درد به مرحله بی‌سابقه‌ای از شدت و وخامت رسیده است. این کشورها هفته گذشته در بیانیه مشترکی اعلام کردند که آماده‌اند اقدامات بیشتری برای کمک به دستیابی به «آتش‌بس فوری، بدون قید و شرط و دائمی» انجام دهند. آن‌ها همچنین گروه بحث‌برانگیز تحت حمایت آمریکا که اسرائیل برای رساندن کمک از آن استفاده می‌کند، یعنی «بنیاد بشردوستانه غزه» را محکوم کردند. وزرای خارجه این کشورها گفته‌اند که این گروه «خطرناک» است و منجر به «کشتار غیرانسانی غیرنظامیان» از جمله کودکانی می‌شود که در تلاش برای تأمین نیازهای اولیه خود از جمله آب و غذا هستند.

▼ قصد نسل‌کشی

ماجرای صرفاً به اقدامات و جنایت‌های ارتش اسرائیل محدود نمی‌شود. سیاستی مشخص برای نسل‌کشی فلسطینیان و پاکسازی قومی آن‌ها وجود دارد و نشانه‌هایی از وجود چنین سیاستی بارها در اظهارات عمومی مقام‌های اسرائیلی آشکار شده است.

در بحبوحه گرسنگی فزاینده در نوار غزه، یک وزیر دولت اسرائیل روز پنجشنبه گفت که اسرائیل هیچ وظیفه‌ای برای کاهش گرسنگی در این منطقه ندارد و به دنبال اخراج جمعیت آن است.

آمیخای الیاو، یک قانون‌گذار راست افراطی که ریاست وزارت میراث اسرائیل را بر عهده دارد، در یک مصاحبه رادیویی

گفت: «هیچ ملتی به دشمنانش غذا نمی‌دهد.» او افزود: «نه بریتانیایی‌ها به نازی‌ها غذا دادند، نه آمریکایی‌ها به ژاپنی‌ها، و نه روس‌ها اکنون به اوکراینی‌ها غذا می‌دهند.» او در پایان گفت که دولت «با شتاب به سوی نابودی غزه پیش می‌رود» و همزمان در حال «بیرون راندن جمعیتی است که مردم خود را بر اساس ایده‌های «نبرد من» آموزش داده است.» پیش از این نیز اظهاراتی با ادبیات نسل‌کشی و تنبیه جمعی از سوی مقام‌های ارشد اسرائیلی مطرح شده بود. اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل، در مورد حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس گفت که «بی‌اطلاعی یا عدم دخالت غیرنظامیان» نادرست است، زیرا غیرنظامیان «می‌توانستند علیه حماس قیام کنند.» یوآو گالات، وزیر دفاع سابق، از جنگ با «حیوانات انسان‌نما» سخن گفت. خود نتانیاهو از اصطلاح «عملیات» برای مردم غزه استفاده کرد که در کتاب مقدس گفته می‌شود فرمان به کشتن تمام «مردان و زنان، کودکان و نوزادان و پیرمردان و پیرزنان آنان» داده شده است.

این موارد در کنار اظهارنظرها و سیاست‌هایی که از انتقال ساکنان غزه به سایر کشورها صحبت می‌کنند، نشانه آشکاری از وجود نیت نسل‌کشی و پاکسازی قومی است.

▼ استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح در تاریخ مدرن

در گذشته، گرسنگی دادن به دشمن به عنوان یک روش مشروع جنگی پذیرفته شده بود. این امر به وضوح در اسناد اولیه حقوق جنگ مدرن دیده می‌شود. برای مثال، «کد لیبِر» سال ۱۸۶۳، که یک سند بنیادین در حقوق جنگ مدرن به شمار می‌رود، به صراحت اجازه می‌داد که جمعیت دشمن، چه «سلاح یا غیرسلاح»، برای تسریع در تسلیم شدنشان گرسنگی داده شوند. کد لیبِر (Lieber Code) یا دستورالعمل‌های عمومی شماره ۱۰۰ برای ارتش ایالات متحده، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات بود که در طول جنگ داخلی آمریکا توسط ارتش اتحادیه به کار گرفته شد. ماده ۱۷ این دستورالعمل بیان می‌داشت: «جنگ تنها با اسلحه پیش نمی‌رود. قانونی است که متخاصم دشمن، سلاح یا غیرسلاح، را گرسنگی داد تا به تسلیم سریع تر دشمن منجر شود.»

نگاه اخلاقی به این موضوع، پس از جنگ جهانی اول شروع به تغییر کرد، جنگی که در آن محاصره‌های متفقین باعث گرسنگی گسترده غیرنظامیان شد. در سال ۱۹۱۹، گزارشی از سوی کمیسیون مسئولیت نویسندگان جنگ، «گرسنگی دهی عمدی به غیرنظامیان» را به عنوان عملی «برخلاف رسوم جنگ و قوانین بشریت» بر شمرد. هرچند این موضوع جنبه اجرایی و قانونی نداشت اما اولین شناسایی بین‌المللی گرسنگی دادن به عنوان یک جنایت جنگی به شمار می‌رفت. در دادگاه‌های

فهرست تاریخ استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح به این موارد ختم نمی‌شود. در جنگ داخلی نیجریه (۱۹۶۷-۱۹۷۰)، دولت نیجریه با ایجاد محاصره کامل علیه ایالت جیبی، قحطی گسترده‌ای را به راه انداخت که به مرگ بیش از یک میلیون نفر، عمدتاً از قوم ایگبو، منجر شد. تصاویر کودکان گرسنه بیافرا، وجدان جهانی را تکان داد و این فاجعه را به نمادی از کاربرد بی‌رحمانه گرسنگی علیه غیرنظامیان تبدیل کرد. در دهه‌های بعد، این تاکتیک مرگبار بارها تکرار شد. در جنگ داخلی سودان و بعدها در سودان جنوبی، طرف‌های درگیر به طور مکرر از دسترسی به کمک‌های بشردوستانه به عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده کرده و با غارت منابع غذایی، قحطی‌های محلی ایجاد کردند.

نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم، فرماندهان آلمانی مانند فیلد مارشال فون لیب (برای محاصره لنینگراد) از اتهامات مربوط به گرسنگی دهی تبرئه شدند، زیرا دادگاه دریافت که «هیچ ممنوعیتی در مقررات لاهه برای استفاده از گرسنگی به عنوان یک سلاح جنگی وجود ندارد». این تبرئه یک شکاف قانونی مهم را که حتی پس از وحشت جنگ جهانی دوم وجود داشت، برجسته کرد.

توسعه یک ممنوعیت روشن به دلیل منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ با موانع جدی روبرو شد. در طول تدوین کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۴۹، بلوک ناتو که مایل بود گزینه استراتژیک محاصره را علیه اتحاد جماهیر شوروی حفظ کند، مفادی را که می‌توانست ممنوعیت را تقویت کند، «تضعیف کرد». متن نهایی، ضمن اعمال برخی محدودیت‌ها، «در اصل، قانونی بودن گرسنگی به عنوان یک سلاح جنگی را پذیرفت». نقطه عطف در این زمینه با پروتکل‌های الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو رقم خورد. ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول (برای درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی) و ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم (برای درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی) به صراحت استفاده از گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی را به عنوان یک روش جنگی ممنوع می‌کنند.

اساسنامه رم نیز «استفاده عمدی از گرسنگی دادن به غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی از طریق محروم کردن آن‌ها از اشیاء ضروری برای بقایشان، از جمله معانعت عمدی از ارسال کمک‌های امدادی» را به عنوان یک جنایت جنگی تعریف می‌کند.

در طول قرن بیستم، نمونه‌های قابل توجهی از استفاده از گرسنگی دادن به عنوان سلاح جنگی دیده می‌شود. در اوایل دهه ۱۹۳۰، رهبر شوروی، ژوزف استالین، به دنبال درهم شکستن ناسیونالیسم اوکراینی و مقاومت در برابر سیاست اشتراکی‌سازی کشاورزی خود بود. اوکراین، با تاریخچه جنبش‌های استقلال‌طلبانه و هویتی که ریشه در دهقانانش داشت، به عنوان تهدیدی برای وحدت شوروی تلقی می‌شد. استالین در نامه‌ای به همکارش کاکانوویچ نوشت: «اگر اکنون برای بهبود وضعیت در اوکراین تلاش نکنیم، ممکن است اوکراین را از دست بدهیم». در آن زمان، دولت تمام مزارع خصوصی را مصادره کرد و سهمیه‌های تحویل غلات غیرممکن و بالایی را تحمیل کرد، در حالی که می‌دانست این سهمیه‌ها قابل تحقق نیستند. نیروهای ویژه اتحاد جماهیر شوروی خانه به خانه می‌رفتند و نه تنها غلات، بلکه تمام مواد غذایی، از جمله سیب‌زمینی، سبزیجات و بذر را مصادره می‌کردند و دهقانان را با هیچ چیزها می‌کردند. قانون «پنج خوشه غله» برداشتن هرگونه محصول از مزارع اشتراکی را مستوجب مجازات اعدام می‌کرد. رژیم شوروی مرزهای اوکراین را بست تا از فرار دهقانان گرسنه جلوگیری کند. یک سیستم گذرنامه داخلی معرفی شد که به کشاورزان داده نمی‌شد. روستاها و مناطق کامل در «لیست‌های سیاه» قرار گرفتند، توسط نیروها محاصره شدند و از تمام تدارکات محروم شدند، که آن‌ها را به مرگ محکوم می‌کرد. این جنایت در تاریخ به نام «هولومودور» شناخته می‌شود. یک نمونه تاریخی دیگر، طرح گرسنگی آلمان نازی طرح گرسنگی (به آلمانی: Hunger plan) یکی از سیاست‌های جنایتکارانه و سیستماتیک آلمان نازی در طول جنگ جهانی دوم بود که با هدف تأمین مواد غذایی برای ارتش و مردم آلمان از طریق غارت منابع کشاورزی سرزمین‌های اشغالی در اروپای شرقی، به ویژه اتحاد جماهیر شوروی، طراحی و اجرا شد. این طرح در واقع یک برنامه از پیش طراحی‌شده برای ایجاد قحطی و گرسنگی گسترده در میان جمعیت اسلاو بود که نازی‌ها آنها را از نظر نژادی «پست» می‌دانستند.

این طرح بخشی از ایدئولوژی نژادپرستانه نازی‌ها بود. با از بین بردن میلیون‌ها نفر از طریق گرسنگی، زمینه برای اسکان آلمانی‌ها در مناطق اشغالی شرق فراهم می‌شد. همچنین گرسنگی به عنوان یک سلاح جنگی برای درهم شکستن مقاومت و اراده مردم در مناطق اشغالی به کار گرفته می‌شد. طرح گرسنگی به مرگ میلیون‌ها غیرنظامی در اتحاد جماهیر شوروی و لهستان منجر شد. محاصره لنینگراد بارزترین و وحشتناک‌ترین نمونه اجرای این طرح بود که در آن بیش از یک میلیون نفر تنها بر اثر گرسنگی جان باختند. فهرست تاریخ استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح به این موارد ختم نمی‌شود. در جنگ داخلی نیجریه (۱۹۶۷-۱۹۷۰)، دولت نیجریه با ایجاد محاصره کامل علیه ایالت جدایی طلب بیافرا، قحطی گسترده‌ای را به راه انداخت که به مرگ بیش از یک میلیون نفر، عمدتاً از قوم ایگبو، منجر شد. تصاویر کودکان گرسنه بیافرا، وجدان جهانی را تکان داد و این فاجعه را به نمادی از کاربرد بی‌رحمانه گرسنگی علیه غیرنظامیان تبدیل کرد. در دهه‌های بعد، این تاکتیک مرگبار بارها تکرار شد. در جنگ داخلی سودان و بعدها در سودان جنوبی، طرف‌های درگیر به طور مکرر از دسترسی به کمک‌های بشردوستانه به عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده کرده و با غارت منابع غذایی، قحطی‌های محلی ایجاد کردند.

قرن بیست و یکم نیز شاهد تداوم این جنایت جنگی بوده است. در یمن، محاصره اعمال‌شده توسط ائتلاف به رهبری عربستان، میلیون‌ها نفر را در آستانه قحطی قرار داد. اخیراً نیز در جنگ تیگرای ایتوبی، نیروهای دولتی متهم به محاصره و نابودی سیستماتیک منابع غذایی برای درهم شکستن مقاومت شدند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که با وجود قوانین بین‌المللی صریح، گرسنگی همچنان یک سلاح ارزان، مؤثر و ویرانگر در منازعات مدرن باقی مانده است.



معامله نتانیاهو

عضو سابق کنست پیش‌بینی کرد که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به صورت جدی به فکر عدم مشارکت در انتخابات زودهنگام باشد، اما با شرط و شروطی. «اورن حزان» عضو سابق پارلمان رژیم صهیونیستی گفت: «بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به صورت جدی به فکر عدم شرکت در انتخابات زودهنگام است. این تفکر با محاکمه نتانیاهو درباره اتهامات فساد و احتمال انجام یک معامله عفو در ازای کناره‌گیری سیاسی او مرتبط است.» وی که قبلاً دوست نتانیاهو بوده پیش‌بینی کرد که نتانیاهو به خاطر پرونده‌های فساد زندانی شود، روزنامه معاریو به نقل از این نماینده گزارش داد: «نتانیاهو هیچگونه فرصتی برای نجات در این محاکمه‌ها به‌رغم حمایت آمریکا و فشارهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ندارد.» وی گفت: «ساره نتانیاهو، همسر بنیامین نتانیاهو به‌وی دستور داد به دلیل صراحت زیاد از من دور شود و نتانیاهو فوراً دستورات وی را اجرا کرد.»



غرب صلح نمی‌خواهد

ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه دیروز گفت که اگر غرب واقعا خواهان صلح بود، از مسلح کردن و حمایت از اوکراین دست می‌کشید. زاخاروا به خبرنگاران گفت: «اگر غرب خواهان صلح در اوکراین بود، احتمالاً تأمین سلاح و همچنین حمایت از اقدامات ترویرستی را متوقف می‌کرد. آنها احتمالاً مطمئن می‌شدند که رژیم کیم یف ایدئولوژی افراطی را اجرا و گسترش نمی‌دهد. با این حال، آنها هیچ‌یک از این کارها را انجام نمی‌دهند.» ماریا زاخاروا افزود: «مذاکرات صلح و حل و فصل سیاسی و دیپلماتیک مناقشه اوکراین، هرگز یک روند یا فلسفه واقعی غرب نبوده است. بدیهی است که آنها به صلح اهمیتی نمی‌دهند. هیچ دلیلی وجود ندارد که بگویم غرب و ناتو به طور جدی ارزش صلح را درک می‌کنند یا به دنبال ایجاد آن در اوکراین یا به نحوی کاهش تنش در آنجا هستند. همه چیز خلاف این را نشان می‌دهد.» این مقام وزارت امور خارجه روسیه در اولین اظهارات خود در مورد مذاکرات، از زمان مذاکرات مقامات روسیه و اوکراین در روز چهارشنبه، گفت که مذاکرات صلح و حل و فصل در اوکراین هرگز در دستور کار واقعی غرب نبوده است.



گنبد طلایی ترامپ

دولت ترامپ پروژه «گنبد طلایی» با بودجه پیشنهادی ۱۵۱ میلیارد دلار را کلیدزد؛ طرحی دفاعی مشابه گنبد آهنین رژیم صهیونیستی. غول‌های نظامی، فضایی و استراتژیک‌ها برای بهره‌برداری از این بودجه صف کشیده‌اند. آمریکا روند خرید ۱۵۱ میلیارد دلاری برای پروژه «گنبد طلایی» ترامپ را آغاز کرد و پیمانکاران دفاعی و استراتژیک‌ها برای کسب سود کلان از این پروژه دفاع موشکی صف کشیده‌اند. در حالی که روند خرید برای یکی از پرهزینه‌ترین و جاه‌طلبانه‌ترین طرح‌های دفاعی تاریخ آمریکا آغاز شده است، دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد تا سقف ۱۵۱ میلیارد دلار برای فناوری‌های زیربنایی پروژه «گنبد طلایی» هزینه کند. آژانس دفاع موشکی آمریکا روز جمعه اعلام کرد که به‌زودی از شرکت‌ها خواهد خواست تا پیشنهادی خود را برای یک «سیستم دفاعی پیشرفته و چندبخشی» ارائه دهند؛ سیستمی که توانایی شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات در تمام مراحل پرواز موشک‌های بالستیک، هایپرسونیک و کرور را داشته باشد.